

سوره بیست و سوم - مؤمنون

این سوره در مکه نازل شده و ۱۱۸ آیه دارد.

به نام خداوند بخشنده مهربان

همانا مؤمنان رستگار شدند. کسانی که در نمازشان فروتنند. و کسانی که از سخنان باوه و بیهوده گریزان می‌باشند. و کسانی که زکات می‌پردازند. و کسانی که شرمگاه‌های خود را نگاه می‌دارند، مگر بر همسران خویش یا کنیزانی که مالک آنهایند، که در این موارد بر آنان ملامتی نباشد، پس هر کس غیر از این خواهد متعدی می‌باشد! و کسانی که امانت‌ها و پیمان‌های خود را رعایت می‌نمایند. و کسانی که بر نمازهای خود محافظت می‌کنند. آنان (یعنی همه این کسان) وارثان هستند. آنهایند که بهشت را به میراث می‌برند. آنانند که در آن جاویدان می‌مانند! (۱ - ۱۱)

به یقین ما انسان را از گل آفریدیم. سپس او را در جایگاه استواری قطره آبی (نطفه) ساختیم. بعد آن نطفه را خون بسته‌ای کردیم. آنگاه خون بسته را گوشت‌پاره‌ای نمودیم و از آن گوشت‌پاره استخوان به وجود آوردیم، پس آن استخوان را با گوشت پوشاندیم، سپس او را به هیئت جدیدی باز آفریدیم. پس خجسته باد خدا که بهترین آفرینندگان است! پس از آن شما به یقین خواهید مرد سپس بی‌گمان در روز قیامت برانگیخته خواهید شد! (۱۲ - ۱۶)

و همانا بر بالای سر شما هفت طبقه آفریدیم و ما از آفرینش غافل نبودیم. و از آسمان به قدر لازم آب نازل کردیم و آن را در زمین ساکن ساختیم و ما بر باز بردن آن توانائیم! و با آن آب برایتان باغ‌های نخل و انگور به وجود آوردیم که شما را در آن میوه‌های بسیار است و از آنها می‌خورید! و درختی که در "طور سینا" می‌روید (زیتون) روغن بار می‌آورد که نان‌خورشتی برای مردمان است. (۱۷ - ۲۰)

بی‌گمان برای شما در چهارپایان پند و عبرتی است. از شیری که در شکم‌های آنها است شما را می‌نوشانیم و برایتان در آنها منافع زیادی هست و از (گوشت) آنها می‌خورید. و بر آنها و نیز بر کشتی‌ها سوار می‌شوید! (۲۱ - ۲۲)

و همانا ما نوح را بر قومه فرستادیم. به آنها گفت ای قوم! خدا را بپرستید. جز او معبود دیگری برای شما نیست. آیا نمی‌پرهیزید؟! بزرگان قومه که کفر ورزیدند گفتند این مرد جز بشری مثل شما نیست. می‌خواهد بر شما برتری جوید. اگر خدا می‌خواست (به جای او) فرشتگانی می‌فرستاد. ما از پیشینیان خود چنین چیزی نشنیده‌ایم! او جز مرد دیوانه‌ای بیش نیست. درباره او تا مدتی صبر کنید!

نوح گفت پروردگار! مرا در آن چه تکذیب می‌کنند یاری ده. بدو وحی کردیم که زیر نظر و طبق وحی ما کشتی را بساز و چون فرمان ما آید و آب از تنور فوران کند از هر جفتی (حیوان) دو تا در آن جای ده. خانواده‌ات را نیز در آن درار. جز آن کسی که از آنها که قبلاً درباره‌اش سخن رفته است و با من درباره کسانی که ستم کردند سخنی مگوی زیرا آنها غرق شوندگانند! پس هنگامی که تو، و آنهایی که با تو، در کشتی نشستید بگو سیاس بر خدا که ما را از قوم ستمگار رهایی بخشید! بگو پروردگار! ما را در جای پاکیزه و بابرکتی فرود آر و تو بهترین فرودآوردنگانی! بی‌گمان در این واقعه آیات و عبرتی است و همانا ما آزمایش‌کنندگان بودیم! (۲۳ - ۳۰)

آنگاه بعد از آنها قوم دیگری آفریدیم. پس پیامبری از خودشان فرستادیم که گفت خدا را بپرستید. جز او معبودی برای شما نیست. آیا (از عذاب الهی) نمی‌ترسید؟ بزرگان قومه،

که کفر ورزیدند و دیدار آخرت را تکذیب کردند، و ما در زندگی دنیا کامرانان ساخته بودیم، گفتند این مرد جز بشری مثل شما نیست که از آنچه شما می‌خورید می‌خورد و از آن چه می‌نوشید می‌نوشد! اگر شما بشری همانند خود را فرمان ببرید بی‌گمان از زیانکاران باشید! آیا او به شما وعده می‌دهد که چون مردید و خاک و استخوان شدید باز از قبر بیرون آورده شوید؟! هیهات هیهات بر آن چه وعده داده می‌شوید! زندگانی جز این حیات دنیای ما چیزی نیست. می‌میریم وزنده می‌شویم و ما برانگیخته نمی‌گردیم! او جز مرد دروغگوئی نیست که به دروغ بر خدا افترا می‌بندد و ما بدو ایمان نمی‌آوریم! (پیامبرشان) گفت خدایا! مرا در قبال این که تکذیب می‌کنند یاری ده! فرمود البته چیزی نمی‌گذرد که آنها پشیمان می‌شوند! پس صیحه‌ای آنها را در گرفت که سزاوارش بودند! آنها را همچون خاشاکی ساختیم! دوری (از رحمت خدا) بر گروه ستمگاران باد! (۳۱ - ۴۱)

بعد از آنها اقوام دیگری بیافریدیم. اجل هیچ قومی بر آنها پیش نیفتد و نه آن را به تأخیر اندازد! پس رسولان خود را پیامی بر مردم فرستادیم (ولی) هر زمانی که بر امتی پیامبری آمد او را تکذیب کردند. ما هم آنها را پی‌یکدیگر هلاک ساختیم و آنها را داستان و مایه‌عبرت قرار دادیم. پس دوری‌باد از رحمت خدا بر قومی که ایمان نمی‌آورند! (۴۲ - ۴۴)

بعد از آن موسی و برادرش هارون را با دلایل و معجزات آشکار فرستادیم. بر فرعون و بزرگان قومش، که تکبر و نخوت می‌کردند و قومی گردنکش بودند! گفتند آیا ما بر دو انسانی مثل خودمان ایمان آوریم در حالی که طایفه آنها پرستندگان ما هستند؟! آنها او را تکذیب کردند و از هلاک شدگان گشتند! همانا بر موسی کتاب (تورات) دادیم باشد که آنها هدایت یابند! (۴۵ - ۴۹)

ما پسر مریم و مادرش را آیتی برای مردم قرار دادیم و آن دو را به سرزمین رفیعی مستقر داشتیم که دارای قناری و آب روان بود. (۵۰)

(گفتیم) ای پیامبران! از چیزهای طیب و پاکیزه بخورید و کارهای نیکو انجام دهید همانا من بر آن چه می‌کنید دانایم! بی‌شک این امت شما امت واحد است و من پروردگار شمایم از عقوبت من بپرهیزید! پس دین خود را پاره پاره کردند و در آئین خود فرقه فرقه شدند و هر گروهی بدان چه نزد آنها است دل خوش دارند! آنها را در غفلتشان رها کن تا وقت معین! آیا چنین می‌پندارند این که ما در مال و فرزندان بر آنها فزونی می‌دهیم، در خوبی‌ها بر آنان شتاب می‌کنیم؟ ولی آنها در نمی‌یابند! (۵۱ - ۵۶)

همانا کسانی که از ترس پروردگارشان بیمناکند، و آنان که به آیات الهی ایمان می‌آورند، و آنان که به خدایشان شریک قرار نمی‌دهند، و آنهایی که آن چه را باید (از زکات و خیرات) بدهند می‌دهند و دل‌هایشان از این که بازگشتشان به سوی خدا است لرزان و ترسان می‌باشد آنها در کارهای خیر شتاب می‌کنند و آنها بدان سبقت می‌جویند! (۵۷ - ۶۱)

ما هیچ کس را جز به قدر طاقتش مکلف نمی‌داریم، پیش ما کتابی است (لوح محفوظ) که به حق سخن می‌گوید، و آنها هرگز ستم نمی‌شوند! (نه!) بلکه دل‌های آنها از این (روز) در غفلت است، و آنان را جز این کارهایی است که آنها را انجام می‌دهند! تا زمانی که کامرانان و منتعمان‌شان را به عذاب گرفتار سازیم آن وقت زاری آغاز نمایند! (به آنان گفته شود) امروز ناله و فریاد مکنید زیرا شما از جانب ما یاری نخواهید شد! همانا آیات ما بر شما خوانده می‌شد و شما به گذشته‌های خود باز می‌گشتید! تکبرکنندگان بدان بودید و شب‌نشینان بیهوده گوی! آیا در این گفتار تأمل نمی‌کردند یا چیزی برایشان آمد که بر پدران و پیشینیان نیامده بود؟ آیا پیامبرشان را نمی‌شناختند که او را انکار می‌کردند یا می‌گفتند که

در او دیوانگی است؟! (نه!) بلکه او به حق بر ایشان آمد و بیشتر آنها حق را خوش نمی‌داشتند! و اگر تابع تمایلات آنها می‌شد در آن صورت آسمان‌ها و زمین و هر که در آنها است تباہ می‌گشت. بلکه ما ایشان را فخر و شرف دادیم و آنها از فخر و شرف خود اعراض می‌نمایند! آیا از آنان مزدی خواستی؟ همانا مزد پروردگارت بهتر از هر چیز است و او بهترین روزی‌دهندگان می‌باشد. بی‌گمان تو آنها را به راه راست می‌خوانی ولی آنهایی که به آخرت ایمان نمی‌آورند از راه راست عدول می‌نمایند! و اگر برایشان رحمت آوریم و زینای را که به آنان رسیده از آنها برداریم در طغیان و گردنکشی خود لجاج و سرگشته می‌شوند! همانا آنان را به عذاب بگرفتیم ولی آنها به پروردگارشان سر فرود نیاوردند و تضرع و زاری ننمودند تا آن گاه که در دیگری از عذاب سخت بر آنها گذاسیم ناگهان در آن سراسیمه و نومیدان گشتند! (۶۲ - ۷۷)

اوست خدائی که برای شما گوش و چشم‌ها و دل‌ها بیافرید ولی عده کمی از شما این نعمت‌ها را سپاس می‌گزارید! و اوست که شما را از خاک آفرید و بازگشت و حشرتان به سوی او خواهد بود! و اوست که زنده می‌کند و می‌میراند. و آمدن شب و روز از اوست. پس چرا نمی‌اندیشید؟! (نه!) بلکه این‌ها هم گفتند همانند آن چه را که پیشینیان می‌گفتند! گفتند آیا می‌میریم و خاک و استخوانی می‌شویم و آیا باز زنده و برانگیخته خواهیم شد؟! همانا ما و پدران ما از پیش به این وعده‌ها وعده داده شده‌ایم و اینها جز افسانه‌های پیشینیان نیست! (۷۸ - ۸۳)

بگو آیا می‌دانید که زمین و آن چه در آن است از آن کیست؟ خواهند گفت از آن خدا! بگو پس چرا پند نمی‌گیرید؟! بگو آفریدگار آسمان‌های هفتگانه و پروردگار عرش بزرگ کیست؟ البته خواهند گفت خدا! بگو پس چرا تقوی پیش نمی‌گیرید؟ بگو آیا می‌دانید آن کس که ملک و ملکوت عالم به دست اوست کیست؟ او بر همه پناه می‌دهد و پناهمنده‌ای بر او نیست! خواهند گفت خدا! بگو پس چرا فریب می‌خورید؟! (۸۴ - ۸۹)

(نه!) بلکه ما حق را بر آنها آوردیم ولی باز دروغ‌گویانند! خدا هرگز فرزندی برای خود نگرفته است و با او هیچ معبود و خدای دیگری نباشد. چه اگر می‌بود در این صورت هر خدائی آن چه را که خود آفریده بود ممتاز می‌داشت و برخی از آنها بر بعضی دیگر برتری می‌یافت. خدا منزله است از هر چه مشرکان بر او وصف می‌نمایند! داننده نهان و آشکار است و برتر است از آن چه برای وی شریکی قرار دهند! (۹۰ - ۹۲)

بگو پروردگار! چه باشد اگر آن چه را که (از عذاب) به آنان وعده کرده‌ای به من بنمایانی؟ پروردگار! مرا در گروه ستمگاران قرار مده! البته ما بر نمایاندن آن چه بر آنها وعده داده‌ایم بر تو توانائیم! بدی را به وجه بهتری دفع کن. ما بدان چه وصف می‌کنند داناتریم! و بگو پروردگار! از وسوسه‌های شیطان‌ها بر تو پناه می‌برم! و پناه می‌برم بر تو پروردگار! از این که شیطان‌ها به سوی من آیند! (۹۳ - ۹۸)

تا چون یکی از آنان را مرگ فرارسد گوید پروردگار! مرا بازگردن، باشد که به جبران آن چه ترک کرده‌ام کار نیکو کنم. نه! چنین نیست بی‌گمان این حرفی است که او می‌زند و از پیش رویشان حجابی است تا روزی که برانگیخته شوند! و چون در صور دمیده شود آن روز در بین آنها نسبت و خویشاوندی نباشد و از همدیگر نپرسند! پس هر کس که ترازوی اعمال (نیکش) سنگین آید آنان رستگارانند. و هر کس که ترازوی اعمالش سبک باشد آنانند که بر خودشان زیان زده‌اند و در دوزخ جاویدان خواهند بود! آتش چهره‌های آنها را می‌سوزاند و آنها در آن ترش‌روی باشند! (۹۹ - ۱۰۴)

(خطاب رسد) آیا آیات من بر شما تلاوت نشد و شما آن را تکذیب نکردید؟ گویند پروردگار! بدبختی بر ما چیره شد و ما گروه گمراهان بودیم! پروردگار! ما را از آتش به در آر و اگر به نافرمانی بازگردیم بی‌شک ستمگاران خواهیم بود! (خطاب رسد) دور باشید در آن، و با من سخن مگوئید! (۱۰۵ - ۱۰۸)

بی‌گمان بودند گروهی از بندگان من که می‌گفتند پروردگار! ایمان آوردیم، ما را بیمارز و به ما رحمت آر و تو بهترین بخشایندگانی! و شما آنها را به مسخره گرفتید تا آنجا که مرا از یاد بردید و بر آن خداپرستان خندیدید. من به سبب صبر و شکیبائییشان به آنان پاداش دادم و اینک آنها به کام رسیدگانند! (۱۰۹ - ۱۱۱)

فرماید شما به حساب سال‌ها چقدر در زمین درنگ کردید؟ گویند یک روز یا پاره‌ای از روز از (فرشتگان) شماره‌گر بپرس. فرماید جز اندکی درنگ نکردید اگر می‌دانستید! آیا گمان کردید که شما را بیهوده آفریدم و هرگز به سوی ما بازگردانده نمی‌شوید! پس برتر و والاست فرمانروای حق. جز او معبودی نیست. پروردگار عرش بزرگ است! هر کس با خدا معبود دیگری بخواند دلیل و حجتی بر آن ندارد و حساب کار او نزد پروردگار اوست. و بی‌گمان کافران رستگار نمی‌شوند! و بگو پروردگار! (ما را) بیمارز و به بخشای که تو بهترین بخشندگانی! (۱۱۲ - ۱۱۸)